



تاریخ فلسفه

از آغاز تا امروز

ویلیام ساهاکیان

ترجمه‌ی
حمیدرضا بسحاق

فهرست

۱۳

مقدمه‌ی مترجم

۱۷

درباره‌ی نویسنده

۱۹

مقدمه

۲۳

فصل ۱

مسئله‌ی ماده: فیلسوفان میلتوس

طالس / ۲۴

آناکسیماندر / ۲۵

آناکسیمنس / ۲۶

۲۸

فصل ۲

مسئله‌ی اینهمانی و تغییر: فلسفه‌های متضاد هراکلیتوس و التایان

کسنوفانس: مکتب الاهیاتی التایی / ۲۸

هراکلیتوس افسوسی / ۳۱

پارمنیدس: مکتب مابعدالطبیعی التایی / ۳۴

زنون: مکتب دیالکتیکی التایی / ۳۵

ملیسوس اهل ساموس / ۳۹

کثرت‌انگاران مابعدالطبیعی / ۳۹

امپدوکلس آکراگاسی / ۴۰

آناکساگوراس کلازمنایی / ۴۲

لوکیپوس آبدرایبی / ۴۴

دموکریتوس آبدرایبی / ۴۵

فیثاغوریان: فلسفه‌ی ریاضی / ۴۹

فیلولائوس و فلسفه‌ی فیثاغوری / ۵۱

۵۴

فصل ۳

مسئله‌ی انسان: از سوفیست‌ها تا افلاطون

- سوفیستاها / ۵۵
 پروتاگوراس آبدرای / ۵۷
 گرگیاس اهل لئوتینی / ۵۹
 سقراط / ۶۲
 مکاتب کوچک سقراطی: چهار مکتب سقراطی / ۶۷
 مکتب رواقی: بی‌اعتنایی نسبت به درد و انفعال / ۷۲
 مکتب لذت‌انگاری: لذت به عنوان خیر اعلا / ۷۷
 مکتب اپیکوری: زندگی وقف لذت / ۸۱
 مکتب شک‌گرایی: تعلیق حکم / ۸۵
 مکتب التقاطی: ترکیبی از بهترین نظریات موجود / ۹۰

۹۲

فصل ۴

فلسفه‌ی نظام‌مند: افلاطون و ارسطو

- افلاطون / ۹۲
 ایده‌آلیسم افلاطونی / ۹۳
 فلسفه‌ی دین افلاطون / ۹۶
 نظریه‌ی اخلاقی افلاطون / ۹۷
 فلسفه‌ی سیاسی افلاطون / ۱۰۰
 ارسطو / ۱۰۶
 منطق ارسطویی / ۱۰۷
 متافیزیک ارسطویی / ۱۱۱
 فلسفه‌ی دین ارسطویی / ۱۱۶
 اخلاق ارسطویی / ۱۲۰
 فلسفه‌ی اجتماعی و سیاسی ارسطو / ۱۲۵
 زیبایی‌شناسی ارسطو / ۱۲۸

۱۳۱

فصل ۵

مسئله‌ی دین

- سرچشمه‌های مکتب نوافلاطونی / ۱۳۳
 فلوطین / ۱۳۴
 مکتب‌های فلسفه‌ی آبای کلیسا / ۱۳۸
 اورینگن / ۱۴۰
 آگوستین قدیس / ۱۴۲

۱۴۸

فصل ۶

مکتب مدرسی

- مسائل فلسفه‌ی قرون وسطی / ۱۴۹
 گرایش نوافلاطونی: دوره‌ی اول فلسفه‌ی قرون وسطی / ۱۴۹
 جان اسکوتوس اریگنا / ۱۵۰
 قدیس آنسلم کانتربری / ۱۵۳
 روسلینوس: فلسفه‌ی نومیالیسم / ۱۵۶
 پی‌یر آبلار: تقدم عقل / ۱۵۸
 گرایش ارسطویی: دوره‌ی دوم فلسفه‌ی قرون وسطی / ۱۶۱
 توماس آکویناس قدیس: فلسفه‌ی خردگرایی / ۱۶۳
 جان دانز اسکوتوس: تقدم اراده / ۱۷۴
 ویلیام اوکامی / ۱۷۸
 نیکلاس کوزایی / ۱۸۲

۱۸۴

فصل ۷

فلسفه‌ی رنسانس

- فلسفه‌ی اجتماعی و سیاسی در عصر رنسانس / ۱۸۶
 نیکولو ماکیاولی / ۱۸۷
 سر توماس مور / ۱۸۹
 فرانسیس بیکن / ۱۹۱
 توماسو کامپانلا / ۱۹۲
 توماس هابز / ۱۹۴
 قانون طبیعی و فلسفه‌ی علم / ۱۹۶
 فرانسیس بیکن / ۱۹۷
 روش علمی گالیله، کپلر و نیوتون / ۱۹۸

۲۰۱

فصل ۸

عقل‌گرایان قاره‌ای

- رنه دکارت / ۲۰۲
 راه‌حل‌های دکارتی‌ها / ۲۱۰
 بندیکت اسپینوزا / ۲۱۳
 گوتفرید ویلهلم لاینیتس / ۲۱۹
 مکتب لاینیتس / ۲۲۷

۲۲۹

فصل ۹

تجربه‌گرایان انگلیسی

- لاادری‌گرایی مابعدالطبیعی جان لاک / ۲۳۰

۴۳۵

فصل ۱۹

فلسفہ کی تحلیلی

فلسفہ کی کمبریج / ۴۳۶

فلسفہ کی آکسفورڈ / ۴۴۳

۴۴۷

فصل ۲۰

مکتب نومدرسی و نوٹومیسیم

۲۴ تز تومیسیم / ۴۴۸

ژاک ماریتن / ۴۵۳

اتین ژیلسون / ۴۵۸

۴۶۳

فصل ۲۱

پدیدارشناسی

فراٹس برتانو / ۴۶۴

ادموند ہوسرل / ۴۶۶

ماکس شلر / ۴۷۳

نیکلای ہارتمان / ۴۷۸

موریس مرلوپوتی / ۴۷۹

۴۸۳

فصل ۲۲

اگزستانسیالیسم

سورن کی پرگور / ۴۸۴

مارتین ہایدگر / ۴۹۲

ژان پل سارتر / ۴۹۸

۵۰۵

واژہ نامہ کی فارسی بہ انگلیسی

۵۲۳

نمایہ

فصل ۱

مسئله‌ی ماده

فیلسوفان میلیتوس

فلسفه در دنیای غرب در اصل به یونان باستان بازمی‌گردد، به‌ویژه به ناحیه‌ی ایونیا که خود شامل آتیکا (خصوصاً آتن)، ساموس، میلیتوس، افسوس و جزایری است که در امتداد دریای اژه از شمال شرقی یونان تا ساحل غربی آسیای صغیر کشیده شده‌اند. سه فردی که به عنوان نخستین فلاسفه شناخته شده‌اند عبارت‌اند از طالس (حدود ۶۴۴ تا ۵۴۶ پ.م)، آناکسیماندر (حدود ۶۱۰ تا ۵۴۵ پ.م) و آناکسیمینس (دوره‌ی شکوفایی: ۵۲۸-۵۸۵ پ.م). چون این فیلسوفان در میلیتوس (که احتمالاً پایتخت ایونیا در قرن ششم پیش از میلاد بوده است) زندگی می‌کردند، خود و پیروان‌شان به فیلسوفان مکتب میلیتوس معروف شده‌اند.

فیلسوفان میلیتوس را همچنین به دلیل علاقه‌ی تقریباً منحصر به فردشان به علم فیزیک [= طبیعیات] یا به معنای درست‌تر و مصطلح آن در فلسفه، جهان‌شناسی، طبیعت‌شناسان ایونی نیز نامیده‌اند. جهان‌شناسی شاخه‌ای از متافیزیک است که به مطالعه‌ی طبیعت یا ماهیت جهان منظم - کوسموس - می‌پردازد. فلاسفه‌ی ایونی اساس کار خود را بر تحقیق پیرامون ماهیت جوهر، ماده‌ی جهانی یا ماده‌المواد نهادند که کل عالم از آن ساخته شده است.

طالس

تاریخ کارهای شگفت‌انگیزی را به طالس، نخستین فیلسوف میلئوس، نسبت داده است، کسی که کسوفی را (وقوع حدود ۲۸ مه ۵۸۵ پم) پیش‌بینی کرد، ارتفاع اهرام را (از طریق اندازه‌گیری سایه‌های آن‌ها) تعیین، و روشی را برای محاسبه‌ی فاصله‌ی کشتی‌ها از دریا تا ساحل ابداع کرد.

دانش ما درباره‌ی عقاید فیلسوفان میلئوس باستان به قدری پراکنده و ناقص است که برای تکمیل و بیان مبنای نظریات آنان ناگزیر از حدس و گمان هستیم. رهاورد طالس در فلسفه این است که جوهری واحد یعنی آب را مسلم فرض کرد، جوهری که به مثابه‌ی ماده‌ی الموات کیهانی سراسر جهان هستی را فراگرفته است. فهم این مطلب که چرا طالس آب را عنصر بنیادین عالم انتخاب کرد دشوار نیست، زیرا آب در تمام اشکال سه‌گانه‌ی ماده یعنی مایع، جامد و گاز وجود دارد. علاوه بر این، او با تیزبینی اعلام کرد که هر ماده‌ای باید از جوهر واحدی ترکیب یافته باشد که در تمامی حالات گوناگون انباشت [اجزا] همواره یکسان باقی بماند. او از این نظریات برای تعیین موقعیت زمین در میان سیارات بهره گرفت و به این نتیجه رسید که زمین در فضا شناور است، درست مانند توپی که روی آب شناور است.

طالس و سایر فلاسفه‌ی ایونی معتقد به آموزه‌ی هیلوزوئیسم^۱ یا هیلوسایکیسم^۲ بودند، نظریه‌ای که می‌گوید ماده دارای حیات یا احساس است؛ یعنی حیات و ماده از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. فلاسفه‌ی میلئوس حیات یا جان را به جوهر نسبت می‌دادند، و به نظر طالس، خدا در همه چیز، یعنی در همه‌ی اشکال سه‌گانه و تعینات ماده، حضور دارد. از این رو او حتی آهن‌ریا را دارای روح می‌دانست، زیرا آهن‌ریا دارای نیروی جذب اشیای فلزی است.

۱. hylozoism (یا زنده‌انگاری ماده)؛ مرکب است از hyle (ماده یا هیولی) و zoo (موجود زنده یا حیوان). - م.

۲. hylopsychism (یا روح‌انگاری ماده)؛ مرکب است از hyle و psyche (نفس یا روح). - م.

آناکسیماندر

هیچ‌یک از نوشته‌های طالس در دست نیست، و تنها قطعه‌ی به‌جای مانده از آثار آناکسیماندر بخش بسیار کوچکی از کتاب درباره‌ی طبیعت اوست. با این همه، از طریق آثار فیلسوفان بعد تا حدود زیادی می‌توان به مفاد نظریه‌ی اصلی آناکسیماندر پی برد.

آناکسیماندر می‌گوید ماده‌ی نهایی جهان آپایرون، یعنی بی‌کران یا نامحدود، است. عناصر بنیادی ماده ضرورتاً نامتناهی هستند، زیرا اگر غیر از این بود قادر به تبیین جریان بی‌وقفه‌ی هستی، و نیز مخلوقات گوناگون و تغییراتی که در طبیعت روی می‌دهد نبودیم؛ اگر فرآیندهای طبیعی متناهی بودند، نیروی خلاقانه‌شان تحلیل می‌یافت و سرانجام در نقطه‌ای متوقف می‌شد؛ در نتیجه، جوهر بی‌کران یا خدا، برخلاف صورت‌های متناهی ماده که از آن نشئت می‌گیرند، باید نامتناهی باشد. جوهر بی‌کران یا هستی جاودانه‌ای که از مرزها و حدود تجربه‌ی ما فراتر می‌رود، از ماده‌ای که ما تجربه می‌کنیم متمایز است؛ آپایرون واقعی است که همه‌ی واقعیاتی که انسان تجربه می‌کند وابسته به آن هستند. ماده قابل ادراک است، اما هستی نامتناهی یا خدا، به منزله‌ی واقعیت بنیادینی که ماده را به وجود آورده است، غیر قابل درک است.

آپایرون دربرگیرنده‌ی تمام عناصر عالم است؛ این حقیقت نامتناهی، با استفاده از گرما و سرما، در قلمرو تجربه‌ی ما صفات و خصوصیاتی را به وجود می‌آورد که به لحاظ کیفیت از یکدیگر متمایزند. بر اثر تعامل این دو عامل مؤثر (یعنی گرما و سرما) جوهری اولیه یا سیالی شکل می‌گیرد که خود علت پیدایش سه عنصر اولیه‌ی دیگر یعنی خاک، هوا و آتش است. بدین سان می‌بینیم که آناکسیماندر، بر پایه‌ی همان جهان‌شناسی طالس، نظام فلسفی طبیعت‌شناسان ایونی را کامل می‌کند.

آناکسیماندر نظریه‌ای هم درباره‌ی تکامل موجودات دارد که به طور چشم‌گیری به فرضیه‌ی داروینی نزدیک است، زیرا حیات ارگانیک را به عمل جوهر سیال نسبت می‌دهد، بدین شرح که وقتی این جوهر سیال